

بازار جهانی معادن زیر سایه ترامپ؛ ایران چه نقشی ایفا می‌کند؟

در نشست با حضور کیوان جعفری طهرانی، تأثیر تعرفه‌های جدید آمریکا بر بازارهای جهانی معدن و فرصت‌های پیش‌روی ایران بررسی شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی معدن پیشرو؛ هفته گذشته به همت اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات معدنی ایران و کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران، نشست «پیش‌بینی بازارهای معدنی جهان پس از وضع تعرفه‌های آمریکا» با سخنرانی کیوان جعفری طهرانی، کارشناس ارشد بازارهای بین‌الملل، به‌صورت آنلاین و به مدت ۵/۱ ساعت به همراه پرسش و پاسخ برگزار شد؛ این نشست به آثار تصمیم ترامپ برای وضع عوارض صادراتی و جنگ تجاری با چین پرداخته شد و فرصت‌های پیش‌روی ایران نیز مطرح گردید.

کیوان جعفری طهرانی، تحلیلگر ارشد بازارهای جهانی، در این نشست اظهار کرد: بسیاری از افراد معتقدند که عوارض وضع‌شده بر بازار ایران تأثیری ندارد، اما زمانی که عرضه و تقاضا در بازار بین‌المللی در خطر قرار می‌گیرد، طبیعتاً کشورهای فروشنده محصول مجبور به ورود به دیگر بازارها می‌شوند و اینجاست که بازارهای هدف ایران مورد تهدید قرار می‌گیرند.

وی ادامه داد: به‌عنوان مثال، در حوزه آلومینیوم، در صورت توافق روسیه و اوکراین، دو میلیون تن شمش آلومینیوم اولیه وارد بازار می‌شود. پس در نتیجه، کمبود جدی در این زمینه وجود نخواهد داشت. حتی اگر این اتفاق نیز نیفتد، کشورهای حاشیه خلیج فارس با تولید ۶/۴۵ میلیون تن شمش آلومینیوم اولیه در سال (شامل ۲/۷ میلیون تن امارات، ۱/۶ میلیون تن بحرین، ۹۳۲ هزار تن عربستان، ۶۱۶ هزار تن قطر، ۳۸۰ هزار تن عمان و ۲۲۲ هزار تن کویت)، کمبود بازار را تأمین خواهند کرد. لازم به ذکر است تولید آلومینیوم ایران در سال گذشته ۳۷۰ هزار تن بوده است که حتی از تولید عمان نیز کمتر است.

به گفته جعفری طهرانی، چین در سال گذشته ۲۱/۷ میلیون تن از مجموع ۱۱۷ میلیون تن صادرات فولاد خود را به کشورهای حاشیه خلیج فارس و شمال آفریقا (MENA) صادر کرده است، یعنی حدود ۱۸/۵ درصد. با وجود جنگ تجاری حال حاضر و ادامه آن، چین صادرات فولاد خود به این منطقه را افزایش خواهد داد که خطر بزرگی برای بازار سنتی فولاد ایران است. در این زمینه، صادرکنندگان فولاد ایران می‌بایستی هوشمندانه عمل کنند و از کار تیمی (کنسرسیوم صادراتی فولاد) غافل نشوند.

وی همچنین در ادامه با پیش‌بینی از وضعیت موجود اظهار کرد: بعید است ترامپ هم‌زمان جنگ تجاری با چین، روسیه، ژاپن و هند را جلو ببرد. ترامپ می‌خواهد با کشوری که بزرگ‌ترین ذخیره طلای جهان را دارند با مدیریت بهینه عمل کند تا مبادا ضرری غیرقابل پیش‌بینی به اقتصاد آمریکا وارد شود. اقتصاد اول طلای جهان در اختیار آمریکاست. در بین ۱۰ کشور اول جهان، کشورهای آلمان، ایتالیا، فرانسه، سوئیس و هلند به ترتیب دومین، سومین، چهارمین، هفتمین و دهمین ذخیره بزرگ طلای جهان را دارند و اگر این پنج کشور اروپایی (که عضو اتحادیه اروپا هستند) به‌صورت کنترل‌شده ذخایر طلای خود را آزاد کنند، ارزش دلار در برابر یورو به‌شدت افت خواهد کرد. کشور روسیه نیز پنجمین، چین ششمین، ژاپن هفتمین و هند نهمین ذخیره بزرگ طلای جهان را دارند و به همین دلیل ترامپ فعلاً با این کشورها به‌جز چین، وارد تقابل جدی نمی‌شود. فعلاً اولویت اصلی ترامپ، چین است و بعد سایر کشورهای ابرقدرت اقتصادی.

وی گفت: هدف اصلی ترامپ از معامله با جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از نفوذ اقتصاد اروپا به ایران است، با توجه به اینکه در طول ۴۵ سال گذشته، کالای آمریکایی در ایران حضور نداشته است. تکنولوژی صنعت فولاد، فلزات و معدن کشور در اختیار اروپا و چین است و او این مسئله را خوب می‌داند.

بنادر کل کشورهای منطقه در اختیار ترمینال‌های اروپایی است. بنادر صحرای عمان و ابوظبی امارات در اختیار ترمینال روتردام هلند است. بندر دُقم عمان در اختیار ترمینال آنتورپ بلژیک و بنادر صلاله عمان و بحرین در اختیار ترمینال Hague هلند قرار دارند. نه‌تنها بندر حمد قطر در اختیار ترمینال روتردام هلند است، بلکه شرکت Qterminal قطر اخیراً ترمینال روتردام را خریداری کرده و عملاً انجام عملیات بنادر صحرای ابوظبی در اختیار قطر است. عربستان سعودی هفت بندر شامل چهار بندر در دریای سرخ و سه بندر در خلیج فارس دارد که در اختیار ترمینال بارسلونا اسپانیاست و به همین ترتیب این نفوذ تا مصر، مراکش، کویت و حتی بندر جدید فاو عراق ادامه دارد.

از طرف دیگر، چین نیز با سرمایه‌گذاری عظیم در بندر گوادر، حضور جدی در دریای عمان دارد و آمریکا این را نمی‌پسندد. احتمالاً ترامپ با معامله با ایران، به‌دنبال اصلاح تصمیماتی است که در دوران بایدن در نشست دهلی روی داد و مسیر ترانزیت کالا از بمبئی به ابوظبی، ریاض، بندر حیف و اروپا به‌صورت ترانزیت دریایی و زمینی از طریق هند، امارات، عربستان و اسرائیل ترسیم شده بود. هدف ترامپ، استفاده از بندر چابهار جهت ترانزیت جنوب به شمال و بالعکس از مبدأ و مقصد هند است و طبیعتاً نیاز به همکاری با هند دارد. فقط هنوز مشخص نیست ادامه این مسیر ترانزیتی که در تقابل با پروژه «طرح کمر بند و جاده» (BRI) چین است، از ایران به‌سمت ترکیه و اروپا خواهد رفت یا به‌سمت شمال و کشورهای آسیای میانه و سپس روسیه؟

جعفری طهرانی، بازار ایران را برای شرکت‌های آمریکایی یک بازار بزرگ و امیدوارکننده نامید که می‌تواند بسیاری از شرکت‌های در شرف ورشکستگی آمریکا را نجات دهد. شرکت مک‌دانال داگلاس یا MD که هواپیماهای قدیمی آن عموماً در ایران پرواز می‌کنند، وضعیت خوبی ندارد و فقط بخش نظامی آن فعال است. آتش‌سوزی موتور هواپیمای چابهار در مسیر تهران&ndash؛کیش که در تعطیلات نوروز امسال رخ داد، باعث فشار بیشتر بر سهام

این شرکت شد. بوئینگ هم وضعیت مناسبی ندارد و چین به علت تحریم‌های جدید ترامپ، قراردادهای خود با این غول هواپیماسازی آمریکا را لغو کرده است. آمریکا می‌داند ایران در اولویت اول، نیاز به ۴۰۰ فروند هواپیمای نو قابل پرواز و در اولویت دوم، ۴۰۰ فروند هواپیمای دیگر به صورت سفارش و تحویل تا سال ۲۰۲۸ دارد. این تجارت می‌تواند شرکت‌های هواپیمایی آمریکا را نجات دهد و ترامپ نمی‌خواهد این بازار بزرگ در اختیار ایرباس اروپا باشد. همچنین بزرگ‌ترین فرودگاه‌سازهای جهان، شرکت‌های پیمانکاری ترکیه هستند که در سال‌های ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ به ترتیب فرودگاه‌های استانبول، ریاض و کویت را تکمیل کرده‌اند و آمریکا نمی‌خواهد توسعه فرودگاه‌های ایران در اختیار ترکیه، که در تقسیم‌بندی اقتصاد جهانی جزو اروپا قلمداد می‌شود، قرار گیرد.

جعفری طهرانی در ادامه، برای نخستین بار نسبت به معرفی عامل ریسک جدیدی به نام «ریسک عمودی» (Vertical Risk) در تأمین مواد اولیه در بالای زنجیره (Upstream) و وسط زنجیره (Midstream) برای هر کالایی در سال ۲۰۲۵ پرداخت که تأثیر بسیار زیادی در سیاست‌گذاری کلان کشورها و همچنین در جنگ تجاری حال حاضر خواهد داشت.

در ریسک عمودی بالادستی، مواد اولیه کل زنجیره در مخاطره قرار می‌گیرد و می‌تواند به کل زنجیره صدمه بزند. در ریسک عمودی میاندستی، مواد اولیه مورد نیاز محصولات پایین‌دستی در خطر تأمین قرار می‌گیرد و می‌تواند به انتهای زنجیره خسارت وارد کند.

در ادامه سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۸، هرچه به سمت بالای زنجیره حرکت کنیم، «ریسک عمودی» بیشتری خواهیم داشت و هر کشوری در جهان که قابلیت تأمین بیشتری از مواد اولیه را داشته باشد، مزیت بیشتری خواهد داشت و در چانه‌زنی سیاسی و اقتصادی، برگ برنده را در اختیار خواهد گرفت.

فراموش نکنیم بسیاری از محصولات میانی جزو مواد اولیه محصولات پایین‌دستی (Downstream) هستند و این کالاها نیز در دسته ریسک عمودی قرار می‌گیرند، اما با ضریب ریسک پایین‌تر.

به گفته جعفری طهرانی، سه کالای نفت، دانه سویا و سنگ آهن جزو ریسک‌های عمودی یا Vertical Risk چین هستند و می‌توانند در بالای زنجیره تأمین، چین را تحت فشار قرار دهند.

در رابطه با نفت، می‌بایست منتظر نشست هفته آینده ترامپ با ولیعهد عربستان (MBS) باشیم تا ببینیم آیا آمریکا می‌تواند باعث کاهش صادرات نفت عربستان به چین شود یا خیر. هرچند مذاکرات تکمیلی بین ترامپ و پوتین درباره اوپک‌پلاس نیز باید انجام شود.

در رابطه با دانه سویا نیز چین بسیار شکننده است و هر مانعی در تأمین آن، باعث فشار به عموم مردم چین خواهد شد، زیرا جزو خوراک اصلی آن‌هاست. البته چین در مورد سنگ آهن مشکل جدی ندارد و از استرالیا و برزیل، در کنار سرمایه‌گذاری‌های جدیدش در آفریقای غربی، می‌تواند تأمین کند.

در وسط زنجیره، سه کالای مدارهای یکپارچه (IC)، موتور خودروهای الکتریکی و مواد پتروشیمی قرار دارند که جزو ریسک‌های عمودی زنجیره تأمین چین هستند. این سه کالا در صورت عدم تأمین، بسیار هزینه‌بر خواهند بود، اما موجب فلج کامل اقتصاد چین نمی‌شوند و تنها خسارت مالی سنگینی به آن وارد خواهند کرد.

در رابطه با ICها و موتور خودروهای الکتریکی، نقش استراتژیک فلز مس بیشتر خود را نشان می‌دهد. در ادامه سال ۲۰۲۵، قیمت مس تحت تأثیر این جنگ‌های تجاری بالاتر از ۱۰ هزار دلار نخواهد رفت و عموماً در محدوده ۹ هزار دلار، مثبت و منفی ۳۰۰ دلار، نوسان خواهد داشت.

جعفری طهرانی همچنین با اشاره به اختلافات میان اردوغان و ترامپ، معتقد است فرصت خوبی پیش‌روی صنعت سنگ ایران قرار دارد و ایران می‌تواند شریک تجاری مناسبی در این حوزه برای آمریکا باشد. صادرات یک میلیارد دلاری سنگ تزئینی ترکیه، با وضع عوارض ترامپ، در معرض خطر جدی قرار گرفته است.

موارد اعلام‌شده در این جلسه، حاکی از آن است که تجار ایرانی باید هوشمندانه عمل کرده و بتوانند در چنین شرایطی از بازارهای نوظهور ایجادشده در اثر این تعرفه‌ها استفاده کنند.